

نویسنده: سونالی کولهااتکر، مترجم: سمیر  
منبع: سایت [تروت دگ](#)، ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۳



برخلاف اندام کوچکش، فعال افغان ملالی جویا یک شخصیت برجسته در میان افغان های عادی است. او ۲۵ سال داشت که در مقابل جنگسالاران جنایتکار که بوسیله امریکا حمایت میشدند در لویه جرگه قانون اساسی سال ۲۰۰۳ ایستاد.

جویا پیش از اینکه مایکروفونش قطع شود، آواز خود را بلند کرد، "آزموده را آزمودن خطاست، آنان باید به محکمه ملی و بین المللی کشانیده شوند، حتی اگر آنان توسط مردم ما بخشیده شوند، مردم یا برهنه افغان، تاریخ این جنایتکاران را نخواهد بخشید،" امروز با گذشت یک دهه او توانسته است از سواقصد های متعدد که نتیجه این موضعگیری او بود جان سالم بدر برد. در حال حاضر او به فعالیت های سیاسی خود به شکل زیرزمینی ادامه داده و دست به افشای جنگسالاران میزند. جویا همچنان خواستار خروج فوری نیروهای امریکایی و پایان دادن به جنگ و اشغال در افغانستان است.

خیلی مشکل است که باور کرد ۱۲ سال از آغاز حمله امریکا به افغانستان میگذرد، حمله ای که با شعار آزادی در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ راه اندازی شد. درست زمانیکه نخستین بمب ها از آسمان افغانستان فرو میریخت، من شب های بیخواب را سپری کرده و در فکر زنان افغان بودم، زنانیکه یک و نیم سال پیش کار های مشترک خود را با آنان در یک نهاد غیرانتفاعی بنام «ماموریت زنان افغان» شروع کردم. هیچکس در آنزمان نمیتوانست پیشبینی کند که ایالات متحده در یک چنین جنگ طولانی درگیر خواهد شد.

اما برای جویا، جنگ بخشی از زندگی اوست، حتی در پارچه های بافته شده ی افغانی نشانه های جنگ را میتوان دید. در بافت قالین های مشهور افغانی تصاویری از تانک، تفنگ و سایر وسایل نظامی دیده میشوند. جویا و هم سن و سالانش در تمام زندگی شان تنها جنگ را می شناسند، جنگی که با حمله شوروی در دهه ۸۰ آغاز گردید، سپس جنگ داخلی تحت حمایت امریکا در دهه ۹۰ شعله ور شد، بعداً طالبان تا آخر دهه ۹۰ در افغانستان حاکم بودند و بالاخره جنگ فعلی امریکا در افغانستان. او برای صلح فریاد میزند و هر روز در زندگی اش خطر میکند تا به آن دست یابد.

در گفتگویی با جویا بمناسبت دهمین سالگرد حمله امریکا به افغانستان، او تصریح کرد که اشغال افغانستان بوسیله امریکا خون های زیاد را بزمین ریخته است. جویا از مطبوعات بدلیل "خلک پاشیدن به چشم" جهان و تکرار طوطی وار حرف های دولت مبنی بر اینکه کشته شدگان "شورشیان" بودند، انتقاد کرد. به گفته جویا، "قساوت نیروهای اشغالگر برای مردم من چیز جدید نیست."

او به حوادثی اشاره میکند که اخیراً اتفاق افتاده: "در ولایت من فراه، ۱۵۰ نفر غیر نظامی در نتیجه بمباردمان نیرو های امریکایی کشته شدند. قبلاً نیز آنان بالای محافل عروسی ما در ننگرهار و نورستان بمب پرتاب کردند. در همین نزدیکی ها به اثر بمباردمان دیگر شان ۶۵ غیر نظامی در ولایت کنر به شهادت رسیدند." این لست بی پایان قتل و کشتار افراد غیرنظامی هر روز طولانی تر میشود. اما شنیدن همچو خبر ها از زبان یک افغان که خود در میان این جنگ زندگی میکند غیر قابل تحمل است.



اما ما باید به آنچه جویا میگوید گوش دهیم. او با پذیرفتن خطر در زندگی اش این مسیر را برای خود انتخاب کرده تا صدایش را به گوش همه برساند.

برای بار نخست در ۲۰۰۵ هنگامیکه مصروف تهیه کتابی در مورد جنگ بودم، جویا را در ولایت فراه افغانستان ملاقات کردم. او قبلاً به یک قهرمان در مقابل جنگسالاران تبدیل شده بود. جویا به آرامی و انگلیسی شکسته صحبت میکرد، ازین میگفت که چگونه جنگسالاران او را تهدید کرده و "کافر، فاحشه و کمونیست" خطاب میکردند. او از شخصیت های آزادیخواه میخواست تا داستان زندگی اش را به مردم امریکا برسانند. جویا اضافه کرد که تنها کسی بود که از همه مردم نمایندگی میکرد. او میگفت، "من

عضوی از نسل جوان این کشور هستم، من این خطر را بخاطر مردم قبول دارم. این جنایتکاران تعداد زیادی از شخصیت‌های دموکرات را از بین برده‌اند. شاید یک روز مرا نیز بقتل برسانند. اما من هرگز نمی‌ترسم."

بعد از آن در نتیجه حمایت مردم فراه، جویا در پارلمان جدید افغانستان راه یافت. اما دو سال بعد جنگسالاران حاکم در پارلمان او را اخراج کردند. این یک ضربه محکم بود به تجربه نوپای دموکراسی در افغانستان. جویا را متهم نمودند که در یک مصاحبه تلویزیونی به جنایتکاران موجود در پارلمان توهین نموده است، حتی او در پارلمان مورد حمله فیزیکی قرار گرفت. این تصمیم پارلمان خشم مردم را در پی داشت که در نتیجه هزاران زن در دفاع از ملالی جویا دست به اعتراض زدند، چیزی که کمتر به آن پرداخته می‌شود.

جویا نخواست در پارلمان خاموش بماند، حالا نیز در بیرون از آن با پذیرفتن خطر بیشتر به فعالیت‌هایش ادامه داده و صدای مردمش می‌باشد. در ۲۰۰۹، به اثر اصرار طرفدارانش کتاب خاطرات خود را زیر نام "زنی در میان جنگسالاران" به چاپ رساند. او درین کتاب دیدگاه‌های خود پیرامون مبارزه علیه استبداد بنیادگرایی و اشغال خارجی را بیان می‌کند. "ایالات متحده زیر نام "آزادی سازی" زنان افغان می‌خواهد تجاوز خود را توجیه کند، اما زنان افغان هنوز هم در کشور خود در قفس زندگی می‌کنند." او در کتاب خود به صراحت مقاصد جنگ را بیان می‌کند، "این جنگ بی‌پایان امریکا برای مبارزه با تروریسم در حقیقت جنگ علیه مردم ما است."

زندگی جویا مانند سایر زنان افغان فقیرانه است. در ۲۰۰۶ مستندی زیر نام "دشمنان خوشبختی" در مورد کمپاین انتخاباتی او تهیه گردید. در تصاویر دیده می‌شود که جویا روی دوشک نازک می‌خوابد و لباس‌هایش را با دست می‌شوید، این نمونه‌ای از زندگی زنان عادی افغان است که با فقر دست و پنجه نرم می‌کند. جویا از زندگی مجلل که انجیو‌های خارجی به ارمغان آورده‌اند اجتناب می‌ورزد و می‌خواهد مانند مردم عادی و در قلب آنان باشد.

